

دکتر علی خالقی*

حمایت کیفری از اتباع: جنبه فراموش شده اصل صلاحیت شخصی در حقوق ایران^(۱)

چکیده:

یکی از اصولی که بر پایه آن قوانین و دادگاه‌های یک کشور صلاحیت رسیدگی به جرمی را پیدا می‌کنند، اصل صلاحیت شخصی است. یک جنبه این اصل مربوط به صلاحیت کیفری دولت نسبت به جرایم ارتكابی در خارج از کشور توسط اتباع آن است و جنبه دیگر آن ناظر بر صلاحیت چنین دولتی نسبت به جرایم ارتكابی در خارج از کشور علیه اتباع خود است. مقاله حاضر با مروری بر متون قانونی موجود، جنبه اخیر را جنبه فراموش شده اصل صلاحیت شخصی در حقوق ایران معرفی و با ارائه دلایلی قبول آن را موجه قلمداد نموده است. ارائه نمونه‌هایی از اسناد بین‌المللی و قوانین جزایی خارجی نیز دور ماندن حقوق ایران از روند تحول حقوق جزای بین‌الملل را نشان داده است.

واژگان کلیدی:

صلاحیت، صلاحیت شخصی، تابعیت، مجنی‌علیه، حقوق جزای
بین‌الملل

مقدمه

آمار دقیقی از شمار ایرانیان خارج از کشور در دست نیست. شاید ارائه چنین آماری نیز هیچگاه ممکن نگردد زیرا علاوه بر ایرانیانی که در سال‌های اخیر به دلایل مختلف کشور خود را ترک نموده، در یکی از کشورهای بیگانه رحل اقامت افکنده‌اند، افراد زیادی نیز به جهات گوناگون به خارج از کشور سفر کرده، مدتی را در آنجا سپری می‌کنند، بدون اینکه مقیم آن کشور گردند. با این حال، براساس برخی اظهارنظرهای رسمی می‌توان تعداد ایرانیان خارج از کشور را در حدود دو میلیون نفر تخمین زد که برای کار، زندگی، درمان، تحصیل، یا گردشگری از ایران خارج شده‌اند. چنانچه این افراد در مدت اقامت یا سفر خود در خارج از کشور قربانی جرمی واقع شوند و به هر دلیل دادگستری کشور خود را برای طرح شکایت و تقاضای مجازات مرتکب برگزینند با این پرسش مواجه می‌شویم که آیا مراجع قضایی کشور ما صالح به رسیدگی به این شکایت و تعقیب و مجازات متهم هستند یا خیر.

برای یافتن پاسخ این پرسش باید در نظر داشت که اصولاً کلیه جرایم ارتكابی در قلمرو حاکمیت یک دولت، مشمول قوانین و مقررات وضع شده توسط این دولت است و دادگاه‌های ایجاد شده توسط آن صلاحیت رسیدگی به این جرایم را دارند. صلاحیت قوانین و دادگاه‌های یک کشور نسبت به جرایم واقع شده در قلمرو آن را اصطلاحاً صلاحیت سرزمینی می‌نامند که به دلیل ارتباط تنگاتنگ آن با حق حاکمیت دولت‌ها، امروزه در همه کشورهای جهان پذیرفته شده است. این صلاحیت، عام و دربرگیرنده همه جرائم است، اعم از اینکه مرتکب یا مجنی‌علیه از اتباع کشور محل وقوع جرم یا از بیگانگان مقیم در آن کشور باشند. در واقع، آنچه که اهمیت دارد محل وقوع جرم است نه تابعیت اشخاص مؤثر در تحقق آن.

با این حال، وقوع جرم در قلمرو سیاسی یک دولت تنها منشأ ایجاد صلاحیت کیفری برای آن دولت نیست (۲) و امروزه دولت‌ها بر مبنای برخی دیگر از معیارها نیز اقدام به برقراری صلاحیت کیفری خویش نسبت به جرایم ارتكابی در خارج از قلمرو خود می‌کنند. این ملاک‌ها، گاه عینی و موضوعی است و به ماهیت یا موضوع جرم نظر دارد و گاه شخصی است و شخصیت عوامل مؤثر در تحقق بزه را مورد توجه قرار می‌دهد. اصل صلاحیت واقعی، اصل صلاحیت جهانی و اصل صلاحیت شخصی مهم‌ترین و متداول‌ترین اصول تعیین‌کننده صلاحیت کیفری دولت‌ها در این زمینه هستند که بر مبنای این دو نوع برداشت متفاوت و به منظور توسعه صلاحیت کیفری به فراسوی مرزها ایجاد شده‌اند. دیدگاه اول سبب شناسایی

اصول صلاحیت واقعی و جهانی و دیدگاه دوم موجب برقراری اصل صلاحیت شخصی شده است.

در ایران نیز اصول فوق مورد توجه قانون‌گذار کشورمان بوده و سبب اعلام قابلیت اجرای قوانین جزایی ایران نسبت به پاره‌ای از جرایم ارتكابی در خارج از کشور شده است. (۳) در این مقاله از اصل صلاحیت واقعی و اصل صلاحیت جهانی می‌گذریم و به اصل صلاحیت شخصی می‌پردازیم. اگرچه این اصل نیز از دو نقطه نظر مختلف، یکی به لحاظ تابعیت بزهار و دیگری به لحاظ تابعیت بزه‌دیده می‌تواند موجد صلاحیت گردد، اما در بحث حاضر تنها از جنبه اخیر به بررسی موضوع پرداخته می‌شود. از این رو، ابتدا ضمن آشنایی با اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه، جایگاه آن را در حقوق موضوعه ایران خواهیم دید (فصل اول) و سپس با اشاره به برخی اسناد بین‌المللی و قوانین جزایی خارجی با روند تحول حقوق جزای بین‌الملل در این زمینه آشنا خواهیم شد (فصل دوم).

فصل اول- جایگاه اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه در حقوق ایران

به منظور شناسایی موقعیت و جایگاه اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه در حقوق ایران، ضروری است که با بررسی متون قانونی موجود در حقوق کشورمان به جست‌وجوی مواردی بپردازیم که در آنها ایرانی بودن بزه‌دیده‌ای در خارج از کشور مبنای صلاحیت قوانین و دادگاه‌های ایران قرار گرفته است (بخش دوم). اما جهت روشن‌تر شدن موضوع تحقیق، لازم است که ابتدا با مفهوم و عناصر اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه آشنا شویم (بخش اول).

بخش اول - مفهوم و عناصر اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه

یکی از اصول صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل، اصل صلاحیت شخصی است که در آن قانون‌گذار به رابطه موجود میان دولت و اتباع آن توجه دارد و براساس همین رابطه اجازه رسیدگی به پاره‌ای جرایم فراسرزمینی را به دادگاه‌های ملی اعطا می‌کند. بدین ترتیب، اتباع یک دولت همواره مشمول قوانین جزایی دولت متبوع خود هستند و ترک سرزمین ملی و خروج از مرزهای کشور باعث خروج آنها از قلمرو شمول قوانین کشورشان نمی‌گردد.

اصل صلاحیت شخصی دو جنبه دارد: یکی جنبه مثبت یا فعال که مبتنی بر تابعیت مرتکب جرم است و با ارتکاب جرمی توسط یکی از اتباع کشور در خارج از سرزمین ملی تحقق می‌یابد و دیگری جنبه منفی یا انفعالی که ناشی از وقوع جرمی در خارج از کشور علیه یکی از اتباع می‌باشد. در صورت نخست، صلاحیت کیفری، صلاحیت شخصی فعال^۱ یا صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب و در صورت دوم، صلاحیت شخصی منفعل^۲ یا صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه نامیده می‌شود. فعلاً، جنبه نخست این صلاحیت که با این عبارت: «علاوه بر موارد مذکور در مواد ۵ و ۶، هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد»، در ماده ۷ قانون مجازات اسلامی مورد پذیرش قرار گرفته مورد نظر ما نیست. آنچه که در این نوشتار مورد بررسی قرار خواهد گرفت جنبه دوم صلاحیت مذکور است که مطالعه آن مستلزم شناخت مفهوم (بند اول) و عناصر (بند دوم) این صلاحیت است.

بند اول - مفهوم صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه

در این قسمت، ابتدا تعریفی از این صلاحیت ارائه می‌دهیم (الف) و سپس به بیان دلایل توجیهی آن می‌پردازیم (ب).

الف - تعریف

اصلی که معادل فارسی آن «صلاحیت شخصی منفعل» است و از آن به «صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه» (۴) یاد شده عبارت است از صلاحیت قوانین و دادگاه‌های یک دولت نسبت به جرایم ارتكابی در خارج علیه یکی از اتباع آن. بر طبق این اصل، دادگاه‌های یک کشور می‌توانند به جرمی که در خارج از قلمرو این کشور توسط یک خارجی ارتکاب یافته رسیدگی نمایند تنها به این دلیل که جرم علیه یکی از اتباع آن ارتکاب یافته است. بدیهی است که چنین صلاحیتی به صلاحیت شخصی فعال بسیار نزدیک است زیرا یک نکته مشترک میان آنها وجود دارد و آن ملاک قرار گرفتن تابعیت یک شخص برای اعلام صلاحیت کیفری دولت متبوع اوست، اما وجه تمایز آن دو، شخص دارای این وصف است، زیرا در صلاحیت کیفری منفعل، مرتکب

1- Compétence personnelle active.

2- Compétence personnelle passive.

جرم و تابعیت وی نادیده گرفته شده، ملاک تابعیت باید در شخص بزه‌دیده وجود داشته باشد. از این‌روست که این اصل، اصل صلاحیت حمایت از اتباع (۵) نیز نامیده شده، حمایتی که با برخورداری از زرادخانه کیفری دولت صلاحیتدار، حمایتی کیفری است.

ب- توجیه

هر چند که اعمال صلاحیت سرزمینی نسبت به اعمال و وقایع ارتكابی در قلمرو دولتی مشخص مستقیماً برخاسته از حق حاکمیت آن دولت است، اما اجرای قوانین جزایی نسبت به جرائم ارتكابی در خارج از کشور نمی‌تواند بر مبنای چنین حقی توجیه گردد، چه حاکمیت هر دولت با رسیدن به مرزهای پیرامون آن خاتمه یافته تلقی می‌شود و دلایل دیگری باید صلاحیت مذکور را توجیه نماید.

اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه یکی از اصول صلاحیت فراسرزمینی است که کمترین تعداد از حقوقدانان را با خود همگام ساخته، گاه آماج انتقادات آنها واقع شده است، امری که باید از دلایل پذیرش دیر هنگام آن در کشورهای خارجی قلمداد گردد. مخالفت برخی از حقوقدانان با ایجاد چنین صلاحیتی برای دولت‌ها هم در نوشته‌های قدیمی (۶) و هم در آثار معاصر (۷) به چشم می‌خورد. برخی با ابراز نگرانی از احتمال خروج قاضی از طریق بی‌طرفی به دلیل رسیدگی او به جرمی علیه هموطن خود، تصریح نموده‌اند: «دادرسی که تابعیتی مانند تابعیت بزه‌دیده داشته باشد، ممکن است بی‌آنکه خود بخواهد بی‌طرف نباشد. به علاوه، در صورت قبول چنین صلاحیتی به عنوان یک اصل کلی، احتمال آن وجود دارد که صلاحیت مزبور (و حتی صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مرتکب) منجر به عدالتی ناقص و پرهزینه شود و حال آنکه قانون محل وقوع جرم، کیفری مناسب را برای جرم ارتكابی تأمین می‌کند.» (۸) اما سرشناس‌ترین مخالف این صلاحیت، دوندیو دو وایر حقوقدان شهیر فرانسوی است که بر تفاوت میان منافع عمومی و منافع خصوصی و نقش آنها در مجازات تأکید ورزیده، در این خصوص می‌نویسد: «اگر هدف مجازات حمایت از منافع خصوصی و جبران زیان وارد شده بر بزه‌دیده بود، شاید چنین صلاحیتی توجیه می‌شد، اما به هیچ وجه چنین نیست... صلاحیت سرزمینی و صلاحیت ناشی از تابعیت مرتکب، کم‌وبیش براساس منافع دولت، توجیه‌پذیرند اما بیهوده است در یک جرم معمولی ارتكاب یافته علیه فردی از اتباع دولت، در پی یافتن زبانی باشیم که به خود دولت وارد آمده است. صلاحیت ناشی از تابعیت مجنی‌علیه فاقد مبنایی

منطقی است و... بیم آن می‌رود که دادرسی که هموطن بزه‌دیده است، تحت تأثیر یک پیشداوری خصمانه نسبت به متهم، گام در بی‌عدالتی یا شدت عمل بی‌اندازه نهد.» (۹)

با وجود این انتقادات، برخی دیگر از حقوقدانان به حمایت از این صلاحیت پرداخته، برقراری آن را لازم دانسته‌اند. این دسته در پاسخ به انتقاد اخیر گفته‌اند: «قواعد مربوط به مجازات، برای حمایت از حقوق و منافع بزه‌دیده وضع شده‌اند و قانون‌گذار تنها در صورتی که تشخیص دهد که این منافع سزاوار حمایت هستند، اقدام به جرم‌انگاری یک عمل می‌نماید و بسیار اتفاق می‌افتد که قانون‌گذار عمل مجرمانه یا مجازات را بر حسب شخصیت بزه‌دیده تعیین کند.» (۱۰)

در مجموع به نظر می‌رسد که به رغم مخالفت برخی از حقوقدانان با اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه، باید همچون برخی دیگر از آنها بر این عقیده بود که این اصل شایسته پذیرش است و نه بیم دوری دادرس از بی‌طرفی و نه نقش فرعی منافع خصوصی در مجازات‌ها نباید مانع قبول آن گردد. در واقع، بیم بی‌طرف نبودن دادرس در مواردی هم که وی بر مبنای تابعیت مرتکب صالح به رسیدگی به جرمی علیه یک خارجی است وجود دارد، اما تاکنون هیچ کس اصل صلاحیت شخصی فعال یا مثبت را به این دلیل که ممکن است وی از طریق بی‌طرفی خارج گردد به زیر سؤال نبرده است. به علاوه، نباید فراموش نمود که هر چند که حمایت از منافع خصوصی تنها هدف مجازات نیست، اما یقیناً یکی از اهداف آن به شمار می‌رود و با توجه به سهولت مسافرت‌های اشخاص به خارج از کشور در عصر ما، اگر این حمایت با رسیدن آنها به مرزهای کشور خاتمه یابد، حمایتی مؤثر و کارساز نخواهد بود. ضمناً، نباید از نظر دور داشت که از دید شهروندان هم، همان‌گونه که آنها باید در صورت ارتکاب جرمی در خارج از کشور خود به دستگاه قضایی کشورشان پاسخ دهند، همان‌گونه نیز انتظار دارند که در صورت قربانی واقع شدن در یک جرم بتوانند به این دستگاه مراجعه و در برابر آن دادخواهی نمایند. این انتظار فراوانی نیست و دولت‌ها نباید نسبت به برآورده ساختن آن بی‌تفاوت باشند. بنابراین، همچون برخی از حقوقدانان که با تأکید بر «وظیفه دولت در حمایت از شهروندان خود» برقراری این صلاحیت را کاملاً طبیعی خوانده‌اند (۱۱)، می‌توان بر این عقیده بود که ایجاد صلاحیت کیفری براساس ملاک تابعیت مجنی‌علیه امری منطقی و در کشورهایی که اصل صلاحیت شخصی فعال پذیرفته شده، از توجه بیشتری نیز برخوردار است.

بند دوم: عناصر صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه

اصولاً این صلاحیت با وقوع جرمی در خارج از کشور علیه یکی از اتباع دولت تحقق می‌یابد. بنابراین، ارتکاب جرم در خارج از کشور (الف) و تابعیت خاص مجنی علیه آن (ب) عناصر تشکیل دهنده چنین صلاحیتی هستند.

الف - ارتکاب جرم در خارج از کشور

صلاحیت کیفری مورد بحث از جمله صلاحیت‌های کیفری فواسرزمینی^۱، یعنی ناظر بر جرایم ارتكابی در خارج از کشور است. اصولاً این نوع صلاحیت‌ها به منظور جبران جنبه منفی صلاحیت سرزمینی، که مانع تعقیب جرایم ارتكاب یافته در خارج از قلمرو سرزمین ملی است، پیش‌بینی شده‌اند. بدین ترتیب، جرمی که در قلمرو حاکمیت یک کشور ارتكاب یابد نمی‌تواند مشمول اصل صلاحیت شخصی (اعم از فعال یا منفعل) قرار گیرد. حتی جرمی هم که تنها بخشی از عنصر مادی آن در قلمرو کشور مزبور واقع شده باشد، در حکم جرمی است که تماماً در قلمرو سرزمین این کشور واقع گردیده، مشمول اصل صلاحیت سرزمینی است، نه شخصی. بنابراین، اگر در جرم کلاهبرداری، توسل به وسایل متقلبانه در ایران صورت پذیرد و بردن مال در خارج از ایران عملی گردد، این جرم مشمول صلاحیت سرزمینی قوانین جزایی ایران است. (۱۲)

ب - تابعیت خاص مجنی علیه

مجنی علیه باید تابعیت دولتی را داشته باشد که مدعی چنین صلاحیتی است. پس این عنصر مربوط به شخص و مستلزم اجتماع دو جزء است: تابعیت (۱) و مجنی علیه (۲).

۱- تابعیت

تابعیت دولت صلاحیت‌دار، صفتی است که باید در قربانی جرم وجود داشته باشد، اعم از اینکه وی در خارج از کشور تابعیت کشور بیگانه‌ای را هم تحصیل کرده یا نکرده باشد. در این خصوص، نباید از نظر دور داشت که ملاک تحقق این شرط وجود آن در زمان ارتكاب جرم است نه در زمان تعقیب جرم. بنابراین اگر کسی که در تاریخ وقوع جرم تابعیت دولت مدعی صلاحیت

1- Compétence pénale extraterritoriale.

را داشته، بعداً تابعیت آن را از دست بدهد، صلاحیت شخصی دولت مزبور نسبت به آن جرم باقی می ماند و سلب تابعیت لاحق تأثیری در صلاحیت کیفری استقرار یافته به نفع آن دولت ندارد. همچنین، کسی که در زمان وقوع جرم تابعیت دولتی را نداشته، نمی تواند پس از تحصیل تابعیت آن، به استناد این اصل، تقاضای تعقیب و مجازات مرتکب را نماید.

تابعیت ممکن است وصف شخص حقیقی باشد یا حقوقی (۱۳)، شرایط تابعیت نیز در قانون غیرجزایی مانند قانون مدنی یا قوانین خاص تعیین می گردد که باید مورد مراجعه قاضی قرار گیرد. در صورت تردید در وجود تابعیت مورد نظر، اثبات آن بر عهده مقام تعقیب است که با کمک مجنی علیه یا به طرق مقتضی دیگر نسبت به آن اقدام خواهد نمود. با اثبات اینکه مجنی علیه تابعیت دولت مورد نظر را دارد، آن دولت صلاحیت رسیدگی به جرم ارتكابی علیه او را می یابد، هر چند که جرم مذکور قربانیان دیگری هم داشته باشد که برخی از آنها فاقد تابعیت این دولت باشند. به عبارت دیگر، در صورت تعدد قربانیان جرم واحد، کافی است که تنها یکی از آنها تابعیت دولت مدعی صلاحیت را داشته باشد (۱۴) و لازم نیست که همه آنها از اتباع این دولت باشند.

۲- مفهوم مجنی علیه

مجنی علیه یا بزه دیده یا زیان دیده از جرم یا متضرر از جرم همه اصطلاحات رایجی در حقوق ماست که کم و بیش با اندک تفاوتی در مورد شخص یا اشخاص معینی به کار می رود. در حقوق جزای بین الملل و از نظر اجرای اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه، می توان گفت که با توجه به مبنای این اصل که حمایت کیفری از اتباع دولت صلاحیتدار در خارج از کشور است، مجنی علیه مفهومی محدودتر از مفهوم رایج آن در آیین دادرسی کیفری دارد. به بیان روشن تر، مجنی علیه شخصی است که جرم مستقیماً علیه او ارتكاب یافته و قانونگذار با جرم شناختن عملی مباح قصد حمایت از او را داشته است، اعم از اینکه جرم از جرایم علیه اشخاص باشد یا اموال. بدین ترتیب، هر چند که گاه ممکن است از وقوع یک جرم چند نفر لطمه ببینند و هر یک به تنهایی بتوانند با شکایت خود، تعقیب کیفری علیه مرتکب را به جریان بیندازند (۱۵) اما ملاک تحقق صلاحیت کیفری، تابعیت شخصی است که اعمال مادی یک عمل مجرمانه

زیانی را نسبت به او وارد آورده باشد. (۱۶)

در همین زمینه، و از آنجا که در کشور ما رویه قضایی روشنی در مورد تعیین مفهوم

مجنی علیه در دست نیست، مناسب است که به رأی نسبتاً جدید دیوان کشور فرانسه که هم سو با نکات فوق صادر گردیده اشاره نماییم. در قضیه مربوط به این رأی، در پی قتل رئیس جمهور نیجریه در خارج از فرانسه، همسر و فرزندان فرانسوی او با مراجعت به فرانسه اقدام به طرح شکایت کیفری در دادگستری این کشور نموده، به استناد ماده ۷-۱۱۳ قانون جزا و تابعیت فرانسوی خود تقاضای تحقیق در مورد عاملان این قتل و تعقیب متهمان آن را نمودند. با قرار بازپرس مبنی بر عدم صلاحیت قوانین و دادگاه‌های فرانسه به دلیل نیجریه‌ای بودن مقتول و به دنبال تأیید این تصمیم در شعبه اتهامی دادگاه استیناف پاریس، دیوان عالی کشور فرانسه در رأی مورخ ۳۱ ژانویه ۲۰۰۱ خود اعلام نمود: «بر مبنای مواد ۷-۱۱۳ قانون جزا و ۶۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری، تنها وصف فرانسوی مجنی علیه مستقیم جرم ارتكابی در خارج از کشور موجب صلاحیت قوانین و دادگاه‌های فرانسه می‌گردد» (۱۷).

اما، در صورتی که بزه دیده از اتباع یک دولت باشد، لازم نیست که شکایت‌کنندگان هم تابعیت این دولت را داشته باشند. بنابراین اگر بازماندگان یا دیگر قائم مقامان قانونی بزه دیده از اتباع بیگانه هم باشند می‌توانند با توجه به تابعیت وی و بر مبنای صلاحیت مورد بحث، اقدام به طرح شکایت کیفری نمایند.

بخش دوم - بازتاب اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه در حقوق ایران

اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه یکی از اصول تعیین‌کننده قلمرو مکانی قوانین کیفری است که قانون‌گذار با وضع قانون به تنظیم آن می‌پردازد. در ایران هر چند که مقررات مربوط به قلمرو قوانین کیفری در مکان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ متمرکز شده‌اند (بند اول)، اما در سایر قوانین نیز به‌طور پراکنده نشانه‌هایی از وضع مقررات مزبور به چشم می‌خورد (بند دوم) که لازم است هر یک را به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار دهیم.

بند اول: قانون مجازات اسلامی

مواد ۳ تا ۸ قانون مجازات اسلامی تحت عنوان باب اول (مواد عمومی) از کتاب اول (کلیات)، به بیان موارد اعمال قوانین جزایی ایران نسبت به جرایم ارتكابی در داخل یا خارج از قلمرو حاکمیت کشور اختصاص دارد. از مطالعه این مواد چنین معلوم می‌شود که در هیچ یک از آنها «تابعیت ایرانی» مجنی علیه ملاک اجرای قوانین کیفری ایران نسبت به جرم ارتكابی در خارج

از کشور قرار نگرفته است و در تنها موردی هم که «ایرانی» بودن سبب توسعه صلاحیت قوانین جزایی ایران شناخته شده، سخن از ایرانی بودن «مرتکب جرم» است که بدین عبارت در ماده ۷ بیان گردیده است: «علاوه بر موارد مذکور در مواد ۵ و ۶ هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد». بدین ترتیب هر چند که عبارات این ماده مطلق است و شامل هر جرمی، اعم از اینکه علیه ایرانی باشد یا بیگانه، می‌گردد اما توجه حکم آن به تابعیت مرتکب نشان‌دهنده تأیید اصل صلاحیت شخصی فعال یا مثبت است و نظری به اصل صلاحیت شخصی منفعل یا مبتنی بر تابعیت مجنی علیه ندارد. نتیجه اینکه هیچ حکم کلی در قبول این اصل در قانون مجازات اسلامی مقرر نگشته است و مجنی علیه ایرانی تنها در صورتی می‌تواند تقاضای تعقیب جرم واقع شده علیه خود را نماید که مرتکب نیز ایرانی باشد. پس برای یافتن موارد ملهم از این اصل، باید تنها به موارد خاص موجود در سایر قوانین مراجعه نمود.

بند دوم: سایر قوانین

گاه در برخی از قوانین، به طور محدود و استثنایی، صلاحیت قوانین ایران نسبت به جرایم ارتكابی در خارج از کشور اعلام شده و ملاک آن نیز تابعیت ایرانی مجنی علیه قرار گرفته است. چنین موردی را می‌توانیم در قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸/۵/۱ ببینیم. همان‌گونه که می‌دانیم جرایم ارتكابی در قلمرو هوایی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، مشمول قوانین جزایی ایران و تابع اصل صلاحیت سرزمینی است (ماده ۳ قانون مجازات اسلامی). چنانچه جرمی در خارج از قلمرو هوایی ایران ارتكاب یابد، بر حسب اینکه آن جرم در درون یک هواپیمای ایرانی واقع شده باشد یا در یک هواپیمای خارجی، تابع دو حکم متفاوت است. فرض اول مورد نظر ما نیست ولی در مورد فرض دوم، ماده ۳۱ قانون هواپیمایی کشوری دادگاه‌های ایران را در سه مورد مجاز به رسیدگی به جرم ارتكابی نموده است که یکی از آن موارد وقتی است که جرم علیه یکی از اتباع ایران ارتكاب یافته باشد. مطابق این ماده: «به جنحه و جنایاتی که در داخل هواپیمای خارجی حین پرواز ارتكاب شود در صورت وجود یکی از شرایط ذیل محاکم ایران رسیدگی خواهند کرد... ب - مجنی علیه تبعه ایران باشد...»

بدین ترتیب می‌توان گفت که در حقوق ایران، تابعیت بزه‌دیده نتوانسته است به عنوان ملاکی کلی نظر قانون‌گذار را در قبول صلاحیت فراسرزمینی قوانین و دادگاه‌های کشورمان به خود جلب

نماید (۱۸) و مصادیق خاص آن نیز بسیار محدود است. (۱۹) اکنون مناسب به نظر می‌رسد که این وضعیت را با روند تحول حقوق جزای بین‌الملل که در پرتو اسناد بین‌المللی امضاء شده در جهان و قانون‌گذاری کشورهای خارجی شکل گرفته است، مورد مقایسه قرار دهیم.

فصل دوم - موقعیت اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه در اسناد بین‌المللی و قوانین خارجی

به رغم آنچه که در مورد جایگاه این اصل در حقوق ایران گفته شد، امروزه تابعیت بزه‌دیده از یک سو در برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی ملاک ایجاد صلاحیت نسبت به جرایم ارتكابی در خارج از کشور شناخته شده است (بخش اول) و از سوی دیگر در قوانین جزایی برخی از کشورها سبب شناسایی صلاحیت فراسرزمینی آنها نسبت به جرایم ارتكابی علیه اتباعشان شده است (بخش دوم).

بخش اول - اسناد بین‌المللی

در حقوق بین‌الملل، کنوانسیون‌ها، معاهدات و موافقت‌نامه‌ها به‌عنوان وسیله‌ای رایج و مناسب برای بیان اهداف مشترک دو یا چند کشور و پیش‌بینی طرق نیل به آن اهداف به کار می‌روند. برخی از این اسناد با تأکید بر خطرات بعضی اعمال و لزوم مقابله با آنها، فهرستی از اعمال مورد نظر را تنظیم و از دول عضو درخواست می‌کنند که در قوانین خود آنها را به عنوان اعمال مجرمانه شناخته، مجازات‌های مناسب هر یک را تعیین نمایند. به منظور حصول اطمینان از تعقیب و مجازات مرتکبین این جرایم، گاه اسناد مذکور از دول عضو می‌خواهند که در چند مورد با اتخاذ تدابیر مقتضی، به ویژه با وضع قانون در کشور خود، اقدام به ایجاد صلاحیت کیفری نسبت به جرایم مورد نظر در کنوانسیون نمایند. هر چند که پاره‌ای از این اسناد ناظر به اعمالی هستند که اصولاً فاقد قربانی شخصی یا معین است (۲۰)، اما برخی دیگر از آنها مربوط به اعمالی هستند که مستقیماً به تمامیت جسمانی یا روحی اشخاص لطمه می‌زند. در این قسمت، ابتدا به ذکر چند نمونه از کنوانسیون‌های امضاء شده میان کشورهای خارجی پرداخته می‌شود که در آنها تابعیت مجنی‌علیه یکی از ملاک‌های ایجاد صلاحیت کیفری شناخته شده است (بند اول) و سپس به چند مورد از موافقت‌نامه‌های امضاء شده میان ایران و دیگر کشورها اشاره می‌شود که در آنها چنین ملاکی مبنای پیش‌بینی صلاحیت کیفری قرار گرفته است

(بند دوم).

بند اول: کنوانسیون‌های بین‌المللی تصویب نشده توسط ایران

از میان کنوانسیون‌های بین‌المللی امضاء شده میان کشورهای خارجی که ایران هنوز آنها را تصویب نکرده و بدین وسیله به آنها ملحق نگردیده است می‌توان به عنوان نمونه به چهار مورد اشاره نمود.

الف - کنوانسیون بین‌المللی بر ضد گروگان‌گیری

این کنوانسیون که در ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ در نیویورک به امضاء رسیده حاوی مقرراتی در مورد تعریف عمل مجرمانه مورد نظر و تشریح مساعی دول عضو در همکاری بین‌المللی برای مبارزه با آن است. مطابق تعریف مندرج در ماده ۱ این کنوانسیون، گروگان‌گیری عبارت است از اینکه کسی: «شخصی را (از این به بعد گروگان نامیده می‌شود) توقیف نموده یا نگاه دارد و تهدید به کشتن یا مجروح کردن نماید یا به نگاهداری او ادامه دهد تا شخص ثالثی، یعنی یک دولت، سازمان بین‌المللی، یک شخص حقیقی یا حقوقی یا گروهی از اشخاص، عملی را به عنوان شرط صریح یا ضمنی آزادی گروگان انجام دهد یا از انجام آن خودداری ورزد.»

در میان مواد مختلف این کنوانسیون، ماده ۵ آن به صلاحیت کیفری اعضاء اختصاص دارد که مطابق آن: «به منظور رسیدگی به جرایم مندرج در ماده ۱، هر دولت عضو اقدامات لازم را برای برقراری صلاحیت خود در موارد زیر اتخاذ می‌نماید.» بر طبق بند (د) این ماده، یکی از مواردی که دولت عضو موظف به ایجاد صلاحیت کیفری خود نسبت به جرم مورد نظر کنوانسیون شده است، هنگامی است که «جرم علیه گروگانی ارتکاب یابد که از اتباع آن دولت است.» البته انتهای این بند با کاستن از الزام حکم مندرج در صدر ماده، با احتیاط می‌افزاید «چنانچه دولت مزبور این کار را مناسب تشخیص دهد.»

ب - کنوانسیون منع شکنجه و دیگر مجازات‌ها یا رفتارهای بی‌رحمانه...

کنوانسیون منع شکنجه و دیگر مجازات‌ها یا رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز به منظور جلب توجه دولت‌ها به لزوم جلوگیری و مجازات شکنجه در عصر کنونی و تقویت همکاری دولت‌ها در این زمینه در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ در نیویورک به امضاء رسیده

است. (۲۱) ماده ۱ این کنوانسیون به ارائه تعریفی از شکنجه مورد نظر در این سند پرداخته، اعلام می‌دارد: «... شکنجه عبارت است از هر عملی که به وسیله آن عمداً درد و رنج شدید جسمی یا روحی به شخصی وارد گردد تا از او یا شخص ثالثی اطلاعات یا اقراری تحصیل و یا وی به خاطر عملی که او یا شخص ثالثی مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب آن است مجازات گردد... مشروط بر اینکه این درد و رنج توسط یک مأمور دولتی یا هر شخص دیگری که با سمت رسمی عمل می‌کند... وارد شده باشد.»

پس از درخواست از دول عضو مبنی بر جرم شناختن عمل شکنجه و به مجازات رساندن مرتکبین آن، کنوانسیون در ماده ۵ خود اعلام می‌نماید که به منظور رسیدگی به جرایم مورد اشاره، «هر دولت عضو اقدامات لازم را برای برقراری صلاحیت خود در موارد زیر اتخاذ خواهد نمود.» بند ج این ماده موردی را پیش‌بینی می‌کند که «مجنی علیه» شکنجه‌داری «تابعیت» این دولت باشد، البته در صورتی که دولت مزبور این کار را مناسب تشخیص دهد.

ج - کنوانسیون مربوط به مجازات اعمال غیرقانونی بر ضد امنیت دریانوردی

هدف این کنوانسیون مبارزه با اشکال نوین جرایم علیه کشتی‌ها، یعنی اعمالی است که دیگر محدود به راهزنی دریایی نبوده، مشتمل بر خرابکاری و اعمال تروریستی بر ضد کشتی و خدمه آن است. ماده ۱ این کنوانسیون که در تاریخ ۱۰ مارس ۱۹۸۸ به امضاء رسیده است، اعمال مشخصی را جرم می‌داند از جمله: تصرف یک کشتی یا در اختیار گرفتن کنترل آن با خشونت و تهدید، ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز علیه اشخاص حاضر در کشتی مشروط بر اینکه اعمال مزبور امنیت دریانوردی را به مخاطره اندازد، تخریب کلی یا جزئی کشتی یا محموله آن با قرار دادن وسیله یا موادی در کشتی که چنین اثری در پی داشته باشد، به مخاطره انداختن امنیت دریانوردی از طریق مخایره اطلاعات نادرست به کشتی و بالاخره کشتن یا مجروح کردن یکی از اشخاص حاضر در کشتی چنانچه این عمل با اعمال پیش‌گفته مرتبط باشد.

ماده ۶ کنوانسیون مربوط به صلاحیت کیفری دولت‌ها است که دو بند آن حاکی از لزوم ایجاد صلاحیت به نفع دولت عضو و یک بند آن حاکی از اختیار دولت‌ها در ایجاد این صلاحیت است. بند دوم ماده مزبور با پیش‌بینی نوعی صلاحیت اختیاری مقرر می‌دارد: «به منظور رسیدگی به هر یک از جرایم پیش‌بینی شده، هر دولت عضو همچنین می‌تواند صلاحیت خود را در موارد زیر برقرار نماید»: این موارد، مشتمل بر سه فرض است که فرض دوم آن زمانی است که

«در جریان ارتکاب اعمال مجرمانه، یکی از اتباع دولت مذکور دستگیر، تهدید، مجروح یا کشته شود.»

د- کنوانسیون بین‌المللی مجازات سوءقصد‌های تروریستی به وسیله مواد منفجره

امروزه کم و بیش شاهد ارتکاب اعمال تروریستی در گوشه و کنار جهان هستیم ولی وجه اشتراک بیشتر آنها موفقیت مرتکب در اجرای نقشه خود و به قتل رسیدن قربانی است. یکی از دلایلی که باعث شده در بیشتر سوءقصد‌ها شمار کشته‌شدگان نسبت به سابق افزایش یابد، استفاده مرتکب از بمب و مواد منفجره در انجام عملیات تروریستی است، چه این مواد که گاه از قبل در اماکن عمومی و محل‌های پرجمعیت کار گذاشته می‌شوند، نسبت به سلاح‌های شخصی، آثار ویرانگر بیشتری دارند.

از این رو، به منظور پیشگیری از این اعمال و تقویت همکاری کشورها در مقابله با آنها، در تاریخ ۱۲ ژانویه ۱۹۹۸ کنوانسیون بین‌المللی مجازات سوءقصد‌های تروریستی به وسیله مواد منفجره به امضاء رسید و ماده ۲ این کنوانسیون در تعریف عمل مجرمانه مورد نظر اعلام می‌دارد که هر کس به قصد وقوع قتل یا لطمات جسمی شدید یا به قصد تخریب وسیع یک مکان عمومی، که منجر به زیان‌های اقتصادی قابل توجه گردد، اقدام به قرار دادن یا منفجر کردن یک ماده منفجره در این محل نماید، از نظر کنوانسیون مجرم محسوب می‌شود.

در مورد صلاحیت کیفری کشورها، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون از دول عضو می‌خواهد که اقدامات لازم را برای برقراری صلاحیت خود نسبت به جرایم فوق در چند موقعیت اتخاذ نمایند. بند دوم این ماده اضافه می‌کند که هر دولت عضو می‌تواند در چند مورد دیگر هم نسبت به ایجاد صلاحیت کیفری به نفع خود اقدام نماید که اولین مورد آن زمانی است که «جرم علیه یکی از اتباع آن ارتکاب یابد.»

بند دوم: اسناد بین‌المللی تصویب شده توسط ایران

از میان اسناد بین‌المللی که مورد تصویب ایران قرار گرفته‌اند و در موضوع صلاحیت کیفری، تابعیت مجنی علیه را یکی از ملاک‌های توسعه صلاحیت دانسته‌اند، می‌توان به یک کنوانسیون و دو موافقت‌نامه اشاره نمود که با توجه به ماده ۹ قانون مدنی (۲۲) در حکم قانون و برای دادگاه‌ها لازم‌الاجرا به شمار می‌روند.

الف - کنوانسیون مربوط به جرائم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما

این کنوانسیون که در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۳ در توکیو امضاء شده، به موجب قانون «الحاق دولت ایران به کنوانسیون توکیو راجع به جرائم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما» مصوب ۵۵/۲/۲۱ به تصویب قوه قانون‌گذاری کشورمان رسیده است. (۲۳) بندهای «الف» و «ب» ماده ۱ این کنوانسیون، کنوانسیون مزبور را نسبت به جرائم موضوع قوانین جزایی و اعمالی که ایمنی هواپیما و سرنشینان و محمولات آن را به مخاطره اندازد یا سبب اختلال در نظم و آرامش داخلی هواپیما گردد، مجری می‌داند. در مورد صلاحیت نیز ماده ۴ کنوانسیون اعلام می‌کند: «دولت متعاهدی که دولت ثبت‌کننده هواپیما نباشد نمی‌تواند به منظور اعمال صلاحیت جزایی خود در مورد جرم ارتكابی در داخل هواپیما در امر پرواز آن مداخله نماید مگر در موارد...» ذکر شده در آن ماده که یکی از آن موارد به موجب بند «ب» عبارت است از وقتی که «جرم... علیه یکی از اتباع آن دولت... ارتكاب یافته باشد».

اکنون در صدد بررسی قلمرو اجرایی این کنوانسیون و یا جرائم مشمول آن نیستیم اما از ذکر برخی مواد آن معلوم گردید که وجود تابعیت دولت عضو این کنوانسیون نزد بزه‌دیده، یکی از جهاتی شناخته شده که به موجب آن دولت مزبور می‌تواند نسبت به اعمال صلاحیت کیفری خود در مورد جرم ارتكابی در هواپیمایی که اصولاً تابع دولت محل ثبت است یا در حال پرواز در خارج از کشور است، اقدام نماید. (۲۴)

ب - موافقت‌نامه کشتیرانی تجاری میان ایران و بلغارستان

در تاریخ ۷۲/۶/۲۵ موافقت‌نامه‌ای در زمینه کشتیرانی تجاری دریایی بین دو کشور ایران و بلغارستان توسط نمایندگان دو دولت امضاء شد که در تاریخ ۷۲/۱۲/۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. (۲۵) در این موافقت‌نامه، طرفین بر همکاری در زمینه توسعه کشتیرانی تجاری، رفتار یکسان با کشتی‌های طرف مقابل در خصوص ورود و خروج به آب‌های سرزمینی و بندر، توقف، تخلیه، بارگیری، سوار و پیاده شدن مسافر و مسائلی از این قبیل تأکید ورزیده و به توافق‌هایی دست یافته‌اند. در مورد اعمال صلاحیت کیفری، بند ۲ ماده ۱۳ این موافقت‌نامه با قبول اینکه اصولاً جرائم ارتكابی بر روی عرشه کشتی‌ها مشمول قوانین و مقررات دولتی است که آن کشتی پرچم آن را برافراشته است، استثنائاً اجازه می‌دهد که در صورت وقوع جرمی در یک کشتی بلغاری، دادگاه‌های ایران در چند مورد به آن جرم رسیدگی نمایند. مطابق این بند: «مقامات

صلاحیتدار یکی از طرفین متعاقد نباید در امور کیفری مربوط به جرایمی که در عرشه کشتی تحت پرچم طرف متعاقد دیگر به هنگام توقف در بندر روی می‌دهد اعمال صلاحیت کیفری نمایند مگر در موارد ذیل: طبق قسمت «د» این بند، یکی از این موارد هنگامی است که «... جرم توسط اتباع دولت پذیرنده یا علیه آنان صورت گرفته باشد.» اگرچه در این فرض، کشتی بلغاری در زمان وقوع جرم در یکی از بنادر ایران واقع است که جزئی از قلمرو کشورمان محسوب می‌شود، اما حکم آن حکایت از قبول استثنایی صلاحیت کیفری دادگاه‌های ایران بر مبنای تابعیت ایرانی مجنی علیه دارد.

ج - موافقت‌نامه کشتیرانی تجاری میان ایران و اکراین

به منظور همکاری در زمینه‌هایی که در موافقت‌نامه امضاء شده با دولت بلغارستان مد نظر بوده است و در بالا به آنها اشاره شد و با پیش‌بینی همان طرق و ابزارها برای نیل به این هدف، دولت ایران موافقت‌نامه دیگری نیز در زمینه کشتیرانی تجاری دریایی با دولت اکراین به امضاء رسانده که در تاریخ ۲۴/۲/۷۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. (۲۶) با عباراتی مشابه، این موافقت‌نامه نیز در بند ۲ ماده ۱۳ مقرر می‌دارد: «مقامات صلاحیتدار هر یک از دو طرف متعاقد نباید در امور کیفری مربوط به جرایمی که در عرشه کشتی تحت پرچم طرف دیگر به هنگام توقف در بندر روی می‌دهد، خود را واجد صلاحیت کیفری بدانند مگر در موارد زیر:... (د) هنگامی که جرم توسط اتباع کشور پذیرنده یا علیه ایشان ارتکاب یافته باشد...»

بخش دوم - قوانین سایر کشورها

امروزه قوانین جزایی کشورهای زیادی با الهام از اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه، بر موارد صلاحیت فراسرزمینی خود افزوده‌اند و بدین ترتیب شامل جرایم ارتكابی در خارج از کشور علیه اتباع دولت نیز می‌گردند. برخی از آنها از مدت‌ها قبل به اعلام چنین صلاحیتی پرداخته‌اند و برخی دیگر، پس از سال‌ها درنگ، آن را مورد تأیید قرار داده‌اند که در اینجا به چند نمونه از این قوانین اشاره می‌کنیم.

در ایتالیا که هنوز تلاش‌های مربوط به اصلاح کلی قانون جزا و تصویب قانون جدید به نتیجه نرسیده و قانون جزای مصوب ۱۹۳۰ همچنان در آن لازم‌الاجرا است، صلاحیت مورد بحث مورد تأیید قرار گرفته است. ماده ۱۰ این قانون، تحت عنوان جرایم عمومی ارتكابی در

خارج توسط بیگانه مقرر می‌دارد: «در غیر از موارد مذکور در مواد ۷ و ۸، بیگانه‌ای که در خارج از کشور، جرمی را علیه دولت یا یک شهروند ایتالیایی مرتکب شود و قوانین ایتالیا برای آن حبس دائم یا حداقل یک سال حبس مقرر نموده باشند، بر طبق قوانین ایتالیا مجازات خواهد شد...» بدیهی است در فرضی که مرتکب هم از اتباع ایتالیا باشد، باز قوانین این کشور براساس ماده ۹ این قانون و بر مبنای اصل صلاحیت شخصی مثبت یا فعال اجراء خواهد شد.

در سوئیس، ماده ۵ قانون جزای مصوب ۱۹۳۷ ضمن تأیید این اصل، شرایط خاصی را برای اعمال آن پیش‌بینی نموده است. مطابق این ماده: «قانون حاضر در مورد کسی که در خارج از کشور مرتکب جنایت یا جنحه‌ای علیه یکی از اتباع سوئیس گردد، اعمال می‌شود مشروط بر اینکه عمل ارتكابی در محل وقوع نیز قابل مجازات باشد و مرتکب در سوئیس یافت شود و به یک دولت خارجی مسترد نگردد و یا به دلیل ارتكاب این جرم به سوئیس مسترد شده باشد...» قانون جزای آلمان مصوب ۱۸۷۱ که در سال ۱۹۷۵ مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار گرفت نیز چنین صلاحیتی را پذیرفته است. ماده ۷ این قانون در این زمینه مقرر می‌دارد: «حقوق جزای آلمان نسبت به اعمال ارتكابی در خارج علیه یک آلمانی اجراء می‌گردد مشروط بر اینکه عمل بر طبق قانون محل وقوع، جرم باشد یا محل وقوع تابع حاکمیت جزایی هیچ کشوری نباشد...»

در بلژیک، مقررات مربوط به تعیین قلمرو صلاحیت قوانین و دادگاه‌های این کشور در قانون مورخ ۱۷ آوریل ۱۸۷۸ که به عنوان فصل مقدماتی قانون تحقیقات جنایی به این قانون اضافه گردیده، پیش‌بینی شده است. اما، صلاحیت کیفری مبتنی بر تابعیت مجنی علیه سال‌ها بعد و به موجب قانون مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۴ به‌طور محدود پذیرفته شده است که شامل جرایم جنحه‌ای نمی‌گردد. به موجب قانون اخیر، پنجمین بند به ماده ۱۰ قانون مورخ ۱۷ آوریل ۱۸۷۸ اضافه شد و در نتیجه آن: «بیگانه‌ای که در خارج از قلمرو کشور پادشاهی بلژیک مرتکب یکی از جرایم ذیل شود، در بلژیک تعقیب خواهد شد... ۵- جنایت علیه یکی از اتباع بلژیک، مشروط بر اینکه حداکثر مجازات مرتکب بر طبق قانون محل وقوع جرم بیش از پنج سال زندان باشد.» در صورتی که مرتکب از اتباع این کشور باشد، صلاحیت بلژیک بر پایه ماده ۷ قانون مذکور استوار می‌گردد.

در فرانسه، صلاحیت کیفری ناشی از تابعیت فرانسوی بزه‌دیده پیشینه زیادی ندارد. در واقع، هر چند که ماده ۷ قانون تحقیقات جنایی این کشور «جنایت ارتكابی توسط یک فرانسوی علیه فرانسوی دیگر در خارج از کشور» را در صورت بازگشت مرتکب به فرانسه قابل تعقیب در این

کشور دانسته بود، اما «فرانسوی بودن مجنی علیه» نه به عنوان ملاکی برای توسعه صلاحیت کیفری این کشور بلکه به عنوان شرطی برای تحدید قلمرو صلاحیت آن نسبت به جرایم ارتكابی «توسط فرانسوی ها» بود. به همین دلیل نیز، هنگامی که قانون مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۶۶ با هدف توسعه صلاحیت فراسرزمینی دادگاه‌های این کشور به تصویب رسید، شرط «فرانسوی بودن مجنی علیه» را از ماده فوق حذف نمود و تردیدی باقی نگذاشت که پیش از آن، شرط مذکور از شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی مثبت یا فعال بوده است. برای قبول اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجنی علیه تا سال ۱۹۷۵ انتظار لازم بود تا اینکه در یازدهم ژوئیه این سال قانونی به تصویب رسید و ماده ۱-۶۸۹ را به قانون آئین دادرسی کیفری اضافه نمود. با این حال، این اقدام دیر هنگام نیز با احتیاط صورت گرفت و تنها شامل جرایم جنایی گردید تا اینکه سرانجام صلاحیت مزبور به نحو وسیع‌تری در ماده ۷-۱۱۳ قانون جزای مصوب ۱۹۹۲ (لازم‌الاجرا از اول مارس ۱۹۹۴) مورد قبول قرار گرفت. به موجب این ماده: «قانون جزای فرانسه نسبت به هر جنایت و همچنین هر جنحه مستلزم مجازات زندان که توسط فرانسوی یا بیگانه در خارج از سرزمین جمهوری ارتكاب یابد، اجراء می‌گردد، مشروط بر این که مجنی علیه در لحظه ارتكاب جرم تابعیت فرانسوی داشته باشد.» (۲۷)

نتیجه

از آنچه که در صفحات پیش گفته شد معلوم می‌گردد که اصل صلاحیت شخصی قوانین و دادگاه‌ها دو جنبه دارد که جنبه منفی یا انفعالی آن ناظر بر تابعیت مجنی علیه است. به رغم نظر نامساعد برخی از حقوق‌دانان نسبت به قبول این جنبه از اصل صلاحیت شخصی، می‌توان گفت که با توجه به دلایلی که در توجیه آن مطرح شده، اصل صلاحیت کیفری مبتنی بر تابعیت مجنی علیه قابل دفاع و شایسته پذیرش است. با این همه و قطع نظر از پاره‌ای استثنائات، در کشور ما هنوز تابعیت بزه‌دیده، به عنوان یک اصل کلی، عاملی برای توسعه صلاحیت قوانین و دادگاه‌های ایران شناخته نشده است و دادگاه‌های ما نمی‌توانند به دلیل «ایرانی بودن» مجنی علیه به جرم ارتكابی علیه او در خارج از کشور رسیدگی نمایند. این در حالی است که تابعیت ایرانی مرتکب جرم یکی از موجبات صلاحیت فراسرزمینی در کشور ماست و همین دادگاه‌ها مجاز به رسیدگی به جرایم ارتكابی در خارج از کشور «توسط ایرانیان» هستند. اما به نظر می‌رسد که این دوگانگی قابل دفاع نیست و همان‌گونه که یک ایرانی به دلیل ارتكاب جرمی در خارج از کشور

ملزم به پاسخگویی به دستگاه قضایی و در معرض تحمل مجازات است، باید در صورتی هم که قربانی جرمی در خارج از کشور گردد بتواند به دادگستری کشورش مراجعه نموده و مورد حمایت قرار گیرد. در واقع، با وجود پیش‌بینی حمایت‌های حقوقی که از طریق کنسولگری‌های ایران در خارج از کشور صورت می‌گیرد، حمایت کیفری از اتباع کشورمان در خارج از کشور بر پایه اصل صلاحیت شخصی به فراموشی سپرده شده است، امری که با توجه به محتوای اسناد بین‌المللی تنظیم شده در دهه‌های اخیر که ایران نیز برخی از آنها را امضاء نموده است و با توجه به قانون گذاری کشورهای خارجی، با روند تحول حقوق جزای بین‌الملل در شناسایی چنین صلاحیتی برای دولت‌ها همگام به نظر نمی‌رسد.

یادداشت‌ها:

- ۱- در تاریخ ۱۷ تیر ۱۳۸۲ دوقلوهای معروف ایران، لاله و لادن بیژنی، که برای عمل جداسازی به سنگاپور رفته بودند به دلیل خونریزی مغزی غیرقابل کنترل در اتاق عمل جان به جان‌آفرین تسلیم نمودند. در پی این حادثه، که اخبار آن از پیش از شروع عمل، به‌طور گسترده توسط جهانیان دنبال می‌شد، موجی از تأثر و اندوه، همگان به‌ویژه هموطنانمان را فراگرفت. در برخی از روزنامه‌ها سخن از خطای پزشکی و مسؤلیت تیم جراحی به میان آمد و از قول برخی مقامات قضائی نیز امکان تعقیب کیفری در صورت طرح شکایت از سوی خانواده جان‌باختگان مطرح گردید. اگرچه مقاله حاضر پیش از تاریخ فوق و بدون تأثیر از آن حادثه به رشته تحریر درآمده است، اما مطالعه آن به خواننده این امکان را می‌دهد تا به راحتی در مورد امکان تعقیب کیفری متهمان احتمالی این واقعه در ایران به نتیجه روشنی برسد. نگارنده فرصت را مغتنم شمرده، این مقاله را به روح شاد این دو دختر سختکوش ایرانی که زمانی در این دانشکده به تحصیل پرداخته و در رشته حقوق فارغ‌التحصیل شده‌اند، تقدیم می‌نماید.
 - ۲- نگاه کنید به: علی خالقی، «مقدمه‌ای بر مطالعه اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ص ۳۵ به بعد.
 - ۳- مواد ۵ تا ۸ قانون مجازات اسلامی.
 - ۴- حسن پوریافرانی، «ماهیت و انواع صلاحیت در حقوق جزای بین‌الملل»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، ش ۱۲، بهار ۱۳۸۱، ص ۱۷۳. اصطلاحات دیگری نیز برای بیان این صلاحیت به کار رفته که دیگر نیازی نیست ما هم بدان‌ها بیفزاییم از قبیل: «اصل تابعیت منفعل» (حسین میر محمد صادقی، حقوق جزای بین‌الملل - مجموعه مقالات، تهران: میزان ۱۳۷۷، ص ۲۶) و «اصل شخصیت منفی» (محمداسماعیل افراسیابی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: فروسی، ۱۳۷۴، ص ۲۱۴).
- 5- Henri Donnedieu de Vabres, "Le système de la personnalité passive ou de la protection des nationaux", *RID pén.*, 1950, p. 511.

- 6- M. Jousse, *Traité de la justice crimiel de France*, Paris, 1771, p. 423.
- 7- Claude Lomois, *Droit pénal international*, 2e éd., Paris, Dalloz, 1979, p. 408.
- 8- Roger Merle et André Vitu, *Traité de droit criminel*, t. I: problèmes généraux de la science criminelle, 7e éd., Paris, Cujas, 1997, p. 393. En ce sens: Michèle-Laure Rassat, *Droit pénal*, Paris, PUF, 1984, p. 221.
- 9- Henri Donnedieu de Vabres, *article précité*, pp. 517-8.
- 10- Georges Levasseur, *Cours de droit pénal général complémentaire*, Paris, 1960, p. 118.
- 11- Jacques Bigay, "Les dispositions nouvelles de compétence des juridictions françaises a l'égard des infractions commises à l'étranger", D., 1976, chron., 51.
- ۱۲- ماده ۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود در حکم جرم واقع شده در ایران است.»
- ۱۳- بر طبق ماده ۵۸۸ قانون تجارت: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابروت، بتوت و امثال ذلک.» همچنین از نظر قوانین ایران: «هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد، شرکت ایرانی محسوب است» (ماده ۱ قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۱۰).
- 14- Claude Lombois, *op.cit.*, p. 374.
- ۱۵- مطابق قسمت دوم ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه متضررین از جرم متعدد باشند، تعقیب جزایی با شکایت هر یک از آنان شروع می‌شود...»
- 16- Claude Lombois, *loc.cit.*
- 17- Crim. 31 janvier 2001, *Bull. Crim*, n°31.
- ۱۸- از اینروست که اداره حقوقی وزارت دادگستری در نظریه شماره ۷/۲۱۹۴ مورخ ۷۴/۵/۱ اعلام نموده است: «به لحاظ اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی و با توجه به مفاد ماده ۳ قانون مجازات اسلامی، چنانچه جرم در خارج از ایران واقع شده باشد (و از موارد منعکس در مواد ۵الی ۸ همان قانون که جزء استثنائات محسوب می‌شود نباشد) مقامات قضایی ایران صالح به رسیدگی نمی‌باشند، هر چند که مجنی علیه نفع دولت ایران باشد.»
- ۱۹- لازم به ذکر است که، قانون تشدید مقابله با اقدامات تروریستی دولت آمریکا مصوب ۶۸/۸/۱۰، که واکنش قانون‌گذار ایرانی به پاره‌ای تصمیمات دولت امریکا تلفی می‌شود، نمی‌توان از مصادیق شناسایی محدود صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه به شمار آورد، زیرا در این قانون با وجود اشاره

به جرایم «رودن اتباع ایرانی و یا نوطشه علیه جان آنها» توسط اتباع آمریکا و دیگر کشورها، مجوزی برای رسیدگی به این جرایم هنگامی که جرم در خارج از قلمرو ایران ارتکاب یافته باشد داده نشده است و برای تعیین قلمرو مکانی صلاحیت دادگاه‌های ایران باید به مواد عمومی قانون مجازات اسلامی مراجعه نمود.

۲۰- مانند کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۲۹ زنو درباره مجازات ضرب سکه تقلبی.

۲۱- کلیات طرح الحاق دولت ایران به این کنوانسیون در کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است که در صورت تصویب نهایی و تأیید شورای نگهبان، این کنوانسیون در زمره اسناد مذکور در بند دوم قرار می‌گیرد.

۲۲- مطابق این ماده: «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.»

۲۳- مجموعه قوانین سال ۱۳۵۵، ص ۷۰.

۲۴- همانگونه که پیشتر دیدیم قبل از تصویب قانون فوق، قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸ چنین صلاحیتی را برای دادگاه‌های ایران شناخته بود.

۲۵- مجموعه قوانین سال ۱۳۷۲، ص ۸۴۱.

۲۶- مجموعه قوانین سال ۱۳۷۴، ص ۱۲۳.

۲۷- علاوه بر قوانین کشورهای یاد شده، بند ۳ ماده ۳ قانون جزای سوئد، پاراگراف سوم فصل اول قانون جزای فنلاند، بند ۱ ماده ۷ قانون جزای یونان، ماده ۵ قانون جزای رومانی و ماده ۶ قانون جزای ترکیه نیز به تأیید صلاحیت کیفری این کشورها نسبت به جرایم ارتکابی در خارج علیه اتباعشان پرداخته‌اند که برای پرهیز از اطاله کلام از ذکر متن مواد مزبور خودداری می‌شود.

